

مقایسه مطالعات سبک‌شناسی و نقد ادبی در ایران

با تأکید بر دو مجله علمی - پژوهشی نقد ادبی و بهار ادب در سال ۱۳۸۹

زهرای حیات*
استادیار زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ساناز باروتی اردستانی
دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی

هدی اصغری جعفری
دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده

از آنجا که میان دو دانش سبک‌شناسی و نقد ادبی رابطه و همبستگی هست و تحلیل‌های منتقدانه برپایه داده‌های سبکی بنا می‌شوند، بررسی وضع موجود مطالعات سبک و نقد می‌تواند زمینه‌های نهادینه‌سازی و سامان‌دهی این شاخه‌های مطالعاتی را هموار کند. بررسی مقالات علمی - پژوهشی دو مجله تخصصی بهار ادب (سبک‌شناسی نظم و نثر) و نقد ادبی در سال ۱۳۸۹ - که پایان دهه هشتاد شمسی است - دورنمایی از شاخه‌های این نوع مطالعات را در این دهه به دست می‌دهد. در این بررسی، از دو شاخص کمی و کیفی استفاده شده است. شاخص‌های کمی به مواردی، مانند حوزه نظری و عملی، متون مورد مطالعه، رویکردهای سنتی و جدید، تعداد نویسندگان، جنسیت نویسندگان و مانند آن‌ها ناظر است. شاخص‌های کیفی براساس مبانی دانش‌های سبک‌شناسی و نقد ادبی تنظیم شده است و به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد: آیا مقالات نقد ادبی از توصیف به سمت تحلیل و واکاوی معنا پیش رفته‌اند؟ آیا

* نویسنده مسئول: hayati.zahra@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۷/۲۸

بر تحلیل‌ها تفکر انتقادی حاکم است؟ آیا مقالات سبک‌شناسی اثر را به‌عنوان نمود فردیت بررسی کرده‌اند؟ آیا داده‌های سبکی وجه تمایز اثر مورد بررسی را با آثار دیگر نشان داده‌اند؟ و مانند آن‌ها. نتیجه کلی این بررسی‌ها نشان می‌دهد اگرچه مطالعات سبک و نقد در برخی حوزه‌ها که از گفتمان اجتماعی یا دانشگاهی پیروی می‌کنند، همسو و هم‌مسیر هستند، تفاوت‌هایی دارند که رابطه و همبستگی این دو شاخه مطالعاتی را پوشش نمی‌دهد. برای مثال، منتقدان در انتخاب متن بیشتر به داستان‌گرایش دارند و سبک‌شناسان متون شعری را ترجیح می‌دهند؛ در مقالات نقد، بیشتر از مقالات سبک‌شناسی، با نظریه‌ها و رویکردهای جزئی و مستقل روبه‌رویم و گرایش‌های سبک‌شناختی هنوز به استقلال نرسیده‌اند؛ همچنین تعداد بیشتری از مقالات نقد به صبغه اصلی خود، یعنی تحلیل و واکاوی معنا نزدیک شده و از توصیف گذر کرده‌اند، درحالی که مقالات مرتبط با سبک که به‌طور مشخص سبک را نمودی از فردیت مؤلف نشان دهند یا ویژگی سبکی را معادل تکرار انحراف از معیار بدانند، در حد نیمی از کل مقالات است.

واژه‌های کلیدی: سبک‌شناسی، نقد، بهار ادب، نقد ادبی، بررسی مقایسه‌ای، دهه هشتاد.

۱. بیان مسئله و پیشینه تحقیق

در مطالعات ادبی، دو دانش «سبک‌شناسی»^۱ و «نقد ادبی»^۲ با تعریف‌ها، اصطلاح‌ها و رویکردهای مشخص و قابل دسته‌بندی از مطالعات سنتی متمایز می‌شوند. اگرچه در بسیاری از نوشته‌های قدیم و جدید می‌توان شباهت‌هایی در محتوا یافت، تفاوت‌هایی که حاصل توسعه یا دگردیسی برخی مبانی نظری در تحلیل‌های ادبی است و اغلب از فلسفه و زبان‌شناسی برخاسته است، مرزی میان مطالعات قدیم و علوم ادبی جدید ترسیم می‌کند. تاریخچه مبانی و اصطلاحات سبک‌شناسی نشان می‌دهد ویژگی‌های این دانش را می‌توان در چند گزاره فهرست کرد که شامل معنای لغوی کلمه سبک در *لغتنامه دهخدا* و *فرهنگ فارسی معین*، و تعریف نویسندگانی مانند ملک‌الشعرا بهار، محمدجعفر محجوب، حسین خطیبی، عبدالحسین زرین‌کوب، محمود عبادیان، تقی پورنامداریان، محمدرضا شفیعی کدکنی، عبدالحسین فرزاد، سیروس شمیسا و محمود فتوحی است که به‌طور مشخص، درباره سبک و سبک‌شناسی به تألیف پرداخته یا ضمن آثار خود از آن سخن گفته‌اند.^۳

۱. تاریخچه این علم از دهه سی شمسی آغاز می‌شود و در دهه‌های بعد با تألیف‌های دیگری ادامه می‌یابد و روند مشخصی را طی می‌کند.
 ۲. سبک به معنای طرز تفکر و شیوه خاص بیان نویسنده و شاعر است که به اثر او ویژگی منحصر به فرد می‌دهد و سبک‌شناسی توصیف ویژگی‌های سبکی اثر است.
 ۳. عناصر سبکی که سبک متن را می‌سازند و درون‌مایه و محتوا را بازتاب می‌دهند، در دو قلمرو کلی لفظ و معنا یا صورت و محتوا قابل تحلیل‌اند که به شیوه‌های مختلفی دسته‌بندی شده‌اند؛ مانند گزینش واژگان، ترکیب جملات و انتخاب عوامل زینتی (خطیبی، ۱۳۷۵: ۳۳-۶۰)؛ بررسی عوامل آوایی، واژگانی و دستوری (عبادیان، ۱۳۷۲: ۴۰ و ۶۰ به نقل از ایران‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۲)؛ تأکید بر عناصر سازنده شعر (شامل عاطفه، تخیل، زبان و موسیقی) (پورنامداریان، ۱۳۷۴: ۶۶-۶۹)؛ تحلیل سه سطح زبانی، ادبی و فکری (شمیسا، ۱۳۷۲: ۱۵۳-۱۸۲).
 ۴. سبک با بررسی بسامد انحراف از زبان معیار یا ثرم به دست می‌آید و هرچه سبب انحراف از ثرم و هنجار است و در متن تکرار می‌شود، ویژگی سبکی به‌شمار می‌رود (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۳۸-۳۹).
 ۵. با مطالعات سبک‌شناسی می‌توان از دانش‌های زبانی در بررسی ادبی بهره برد، سبک‌های شخصی و عمومی را شناخت، به بازتعریف گونه‌های متن و انواع ادبی پرداخت و دوره‌های ادبی را براساس مشخصات سبکی تعیین کرد (فتوحی، ۱۳۸۰: ۳۳-۳۵).
- دربرابر سبک‌شناسی، دانش نقد ادبی در تعریف، گزاره‌های یکسانی به دست نمی‌دهد. از شرحی که ذیل واژه نقد در فرهنگ فارسی معین آمده و نقد را مترادف جدا کردن سره از ناسره یا تمییز دادن خوب از بد و آشکار کردن محاسن و معایب اثر دانسته (معین، ۱۳۷۱: ۴۷۸۴) تا نوشته‌های منتقدان در دهه‌های هشتاد و نود که نقد را «تلاشی نظام‌مند و مبتنی بر نظریه به منظور تبیین معانی تلویحی انواع متن (از جمله متون ادبی) می‌دانند» (پابنده، ۱۳۸۹: ۱۰)، فاصله‌ای چشمگیر است. حسین پابنده در *گفتمان نقد* قائل شدن به معانی مختلف تحسین و مذمت نویسنده، شرح زبان اثر یا کشف پیام متن را در قرن بیست و یکم نکوهش کرده، می‌گوید:

[...] در نخستین سال‌های قرن بیست و یکم، وقتی در کشور ما صحبت از نقد ادبی می‌شود، هنوز اغلب تصور می‌کنند که منظور یا تحسین کردن نویسنده است یا مذمت او، یا شرح زبان آثار او، یا استفاده از این آثار برای فهم بهتر تاریخ و یا اشاعه اخلاق پسندیده از راه کشف یک پیام اخلاقی در آن‌ها (۱۳۹۰: ۱).

تفاوت‌ها و گاه تناقض‌هایی که در شرح واژه نقد وجود دارد، ذیل لغت criticism در دو فرهنگ اصطلاحات ادبی آبرامز و کادن مشاهده می‌شود: «نقد ادبی، تعریف، توصیف، طبقه‌بندی، شرح و ارزیابی آثار ادبی است» (آبرامز، ۱۳۷۳: ۳۶)؛ «نقد ادبی فن یا عملی است که به مقایسه، تجزیه، شرح و تفسیر و سنجش آثار ادبی اختصاص دارد» (کادن، ۱۳۷۷: ۲۰۷). برخی معانی نقد در مقدمه نقد ادبی در سبک هندی به این ترتیب فهرست شده است: «۱- تبیین صحت و سندیت متن، ۲- شرح و تفسیر، ۳- تجزیه و تحلیل، ۴- طبقه‌بندی، ۵- مقایسه و تطبیق، ۶- ارزیابی» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۶). نجومیان نیز در نشست «راهکارهای توسعه نقد ادبی در ایران» که در ۱۷ بهمن ۱۳۹۱ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد، در تأیید شناور بودن معنای نقد و تعدد آن در رویکردهای مختلف به این معانی نقد اشاره کرد: محک‌زنی، سنجش و ارزیابی، عیب‌یابی و انتقاد، معرفی و ستایش، کشف و برملاسازی، تحلیل و توصیف، تغییر و اصلاح و حتی خوانش متعارض. این گستردگی و پراکندگی با تأکید نظریه‌پردازان معاصر بر ماهیت چندرشته‌ای نقد دوچندان می‌شود. احمد رضی و عبدالله راز برای فعالیت بین‌رشته‌ای نقد دستاوردهایی برشمرده‌اند؛ مانند «پرهیز از نگاه ارزش‌گذارانه، اتخاذ رویکرد آسیب‌شناسانه، عبور از روش‌شناسی تجربی، نقد موضع‌گیری‌های تک‌بعدی و جزم‌گرایانه، لزوم توجه به تبارشناسی مسئله و غیره» (۱۳۹۰: ۶۲۳).

در پایان دهه هشتاد شمسی، انجمن نقد ادبی ایران طرح تحقیقی ممیزی نقد و دانش نقد ادبی در ایران را به سفارش دبیرخانه ممیزی توسعه علوم اجرا کرد (حیاتی، ۱۳۹۱). از مقایسه نتایج این طرح با تحلیل روند مطالعات سبک‌شناختی که در مقاله «نظریه سبک در ایران (روش‌های سبک‌شناسی)» (ایران‌زاده، ۱۳۹۰) و کتاب سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها (فتوحی، ۱۳۹۰ الف) دست‌یافتنی است، برمی‌آید:

۱. میان انسجام ذاتی سبک‌شناسی با سرشت شناور نقد ادبی تقابلی وجود دارد که مسیر پژوهش‌های سبکی را در مقایسه با مطالعات نقد هموارتر می‌کند. ویژگی اصلی سبک‌شناسی توصیف و تبیین متن برپایه شواهد و مستندات برآمده از متن است و به همین سبب، تعریف روشن‌تری نسبت به نقد ادبی دارد که به برخی نمونه‌های آن اشاره شد.

۲. خاستگاه گفتمانی سبک‌شناسی و نقد ادبی در ایران دو نوع فعالیت آگاهانه و منفعلانه را پی ریخته است. این تعبیر تقابلی از تاریخ پیدایش و تکوین نقد ادبی و سبک‌شناسی در ایران برداشت می‌شود. پیش از طرح رسمی حوزه مطالعاتی نقد در ایران، بلاغت اسلامی یا نقد کهن ادبی تحت تأثیر ارسطو نگاه فلسفی و نقادانه به ادبیات را با تجربه‌ای ضعیف پشت سر گذاشته بود؛ اما مطالعات رسمی مرتبط با نقد ادبی در ایران با گذشت یک دهه و اندی از انقلاب مشروطه (۱۲۸۵ش/۱۳۲۴ق/۱۹۰۶م) و با شناخت مباحث پراکنده‌ای از نقد ادبی غربی آغاز شد. شکل‌گیری بنیادهای نظری نقد حاصل تلاش دو طیف از تحصیل‌کردگان با دو پایگاه اجتماعی متفاوت بود؛ یعنی مترجمان که جریان ترجمه را به‌راه انداختند و استادان دانشگاه که برای تأسیس نقد دانشگاهی کوشیدند. از آنجا که ترویج علم و توسعه آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی در اولویت بود، نخستین حوزه‌های مطالعاتی نقد ادبی به نثر اختصاص یافت؛ اما نقدهای اولیه به مبانی علمی متکی نبودند و امروز با صفت «ذوقی» و «سستی» شناخته می‌شوند. نقد نظری با بازگویی نظریه‌های منتقدان مشهور غرب و با ارجاع به شعر پا گرفت؛ چنان‌که طرح مباحث نقد ادبی با نظریه‌های نیما در زمینه نقد و نوآوری او در حوزه شعر به اوج رسید و در بازتولید نظریه‌های منتقدان نیما، موازین شعر قدیم و جدید مقایسه و بر مبنای نظریه‌های غرب تحلیل شد. در مجموع، ویژگی اصلی صد سال مطالعات نقد ادبی، تقابل سنت و مدرنیته است و نقد ادبی جدید با ویژگی‌هایی، مانند اتکا به مبانی علمی و آگاهی از نظریه‌های نقد ادبی جهان تعریف می‌شود. پس از تمایز نقد جدید از نقدهای ذوقی و سستی، تاریخ مختصر نقد ادبی در ایران از ۱۳۰۰ تا ۱۳۹۰ به شکل زیر دوره‌بندی می‌شود:

در سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۲۰ نقد نظری در حوزه شعر و داستان رشد کرد؛ دهه بیست به لحاظ ترجمه و پیشرفت در سطح نظری نقد درخور توجه است؛ در دهه سی، مکتب‌ها و نحله‌های ادبی دیگر گسترش یافتند و اولین کتاب مدون درباره نقد ادبی تألیف شد؛ دهه چهل دوره شکوفایی شعر و داستان بود که به موازات آن نقد ادبی توسعه یافت و تعداد منتقدان بیشتر شد؛ در دهه پنجاه، ورود یکباره نظریه‌ها و مکتب‌های غربی - که در اروپا به تدریج و با پشتوانه یک خرد فلسفی زنجیره‌وار شکل گرفته بودند - وضع را آشفته کرد، زیرا منتقدان یا الفبای نظریه‌های جدید را نمی‌دانستند، یا با ادبیات ایرانی آشنا نبودند؛ از دهه پنجاه به بعد، جذب و فهم نظریات جدید ادبی و کار بست آن‌ها در ادبیات بومی به مسئله اصلی تبدیل شد؛ در دهه هشتاد که مورد بحث این مقاله است، فعالیت‌های نقد ادبی در حوزه تألیف، ترجمه، انتشار مجلات و برگزاری جلسات نقد گسترش کمی و کیفی یافت. پایان دهه هشتاد می‌دهد با افزایش گرایش «نقد نقد» روبه‌رویم که هم در مطالعات فردی ظهور دارد، هم در برنامه‌ریزی‌های نهادهای سیاست‌گذار.

اما طرح مباحث سبک‌شناسی با انگیزه علمی و دغدغه پژوهشی، با یک فاصله تاریخی از ظهور جریان نقد شکل گرفت: در دهه سی، دانش مستقل سبک‌شناسی با انتشار **تاریخ تطور نثر فارسی** از ملک‌الشعراى بهار پایه‌گذاری شد؛ در دهه چهل، حسین خطیبی با انتشار **نثر در ادب پارسی** پژوهش سبک‌شناختی بهار را با انسجام یک طرح تحقیقی بازتولید کرد؛ در دهه پنجاه، تألیف‌ها افزایش یافت و بازهم ویژگی این تألیف‌ها مشخص بودن روش و هدف تحقیق است که نمونه معروف آن **سبک خراسانی در شعر فارسی** نوشته محمدجعفر محجوب است؛ در دهه شصت، استادان رشته‌های غیر ادبیات فارسی با ارائه شوه‌دی از متون فارسی به تألیف آثار سبک‌شناسی پرداختند و براساس نظریه‌های اروپایی، ادبیات فارسی را بررسی کردند که تبیین نظریه‌ها و روش‌های مطالعاتی هم در آن‌ها مشاهده می‌شود و ماهیت علمی و تحقیقی دارد و نمونه آن **درآمدی بر سبک‌شناسی** محمود عبادیان است؛ در دهه هفتاد، برپایه پژوهش‌های پیشین، تألیف متون درسی دانشگاهی برای دروس سبک‌شناسی نظم و سبک‌شناسی نثر شکل گرفت؛ در دهه هشتاد نیز با تولیدات علمی پراکنده در زمینه

سبک‌های فردی و عمومی مواجهیم. ویژگی مشترک این فعالیت‌ها اتکا به مبانی علمی است که بیشتر بر محور مطالعات زبانی از دستور زبان سنتی تا زبان‌شناسی جدید استوار است.

۳. برون‌رفت از آشفتگی تحقیقات نقد با توسعه پژوهش‌های سبکی ممکن است؛ زیرا اول‌اینکه هر معنایی که از نقد اراده شود، باید به شواهد متنی متکی باشد و بسامدهای سبکی در استدلال‌های منتقدانه نقش اساسی دارند؛ دیگر اینکه اتکای سبک‌شناسی به مبانی علمی که اغلب بر محور مطالعات زبانی استوارند، باعث می‌شود تحلیل‌های انتقادی با انتظام بیشتری پیش روند. البته، همین تأکید نشان می‌دهد سبک‌شناسی و نقد ادبی درهم‌تنیدگی آشکاری دارند و نمی‌توان آن‌ها را به‌عنوان دو سوی مطالعه در دو حوزه مجزا قرار داد؛ اما تفکیک این دو شاخه مطالعاتی در عناوین فهرست‌شده ذیل علوم انسانی، و وجود مجلات، پایان‌نامه‌ها، کتاب‌ها و مقالاتی که به‌طور مستقل به آن‌ها پرداخته‌اند، حاکی از غلبه یک وجه بر وجه دیگر مطالعه است؛ مانند غلبه توصیف بر تحلیل یا ارزیابی.

نقش داده‌های سبکی در تحقیقات نقد، پرسش درباره وضع مطالعات سبک و نقد را در جامعه دانشگاهی برمی‌انگیزد. تعداد کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های دانشجویی که به‌طور مجزا مطالعات سبک‌شناختی یا نقد را بررسی کرده‌اند، زیاد است؛ اما بررسی مقایسه‌ای این دو حوزه مطالعاتی، پیشنهادی در بانک‌های اطلاعاتی ندارد؛ به همین سبب مقالات دو مجله علمی - پژوهشی *بهار ادب و نقد ادبی* - که به مطالعات نقد و پژوهش‌های سبکی اختصاص دارند - در سال ۱۳۸۹ با چند شاخصه کمی و کیفی بررسی شدند تا دورنمایی از فعالیت‌های مرتبط با این حوزه مطالعاتی به ادبیات به‌دست آید. ضرورت انجام دادن این پژوهش نخست، چشم‌اندازی است که به‌طور مستقل از این دو شاخه مطالعاتی به‌دست داده می‌شود؛ دیگری، در صورت پذیرش پیوند و مناسبت میان این دو حوزه، معدلی از برآمدهای تحلیلی این تحقیق قابل پذیرش است و زمینه سامان‌دهی مطالعات نقد را فراهم می‌کند.

۲. شاخص‌های کمی و کیفی در بررسی مطالعات سبک و نقد

۲-۱. شاخص‌های کمی

تعیین شاخص‌های کمی و کیفی در ارزیابی مقالات سبک‌شناسی و نقد از ایده‌های استخراج شد که در «شیوه‌نامه نحوه ارائه گزارش نهایی ممیزی توسعه علوم سال ۱۳۹۰» از سوی دفتر ممیزی توسعه علوم در معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری فهرست شده است. توضیح اینکه در شیوه‌نامه، وضعیت موجود رشته‌های مختلف علوم انسانی با شاخص‌های کمی و کیفی ارزیابی موضوعی علوم در محورهای مختلفی، مانند سرمایه‌های انسانی، تولیدات علمی، وضعیت آموزشی و مانند آن‌ها سنجیده می‌شود. در بخش شاخص‌های کمی، برای هر محور شاخص‌های کلانی تعریف شده است؛ چنان‌که ذیل محور وضع آموزشی، شاخص‌هایی، مانند میزان کارآمدی متون درسی، جایگاه پژوهش در برنامه‌های درسی، عدالت آموزشی و غیره فهرست شده است. شاخص‌های کلان با شاخص‌های تفصیلی تعیین شده‌اند؛ برای مثال برای بررسی عدالت آموزشی، دو شاخص چگونگی توزیع قبول‌شدگان در مقطع کارشناسی در استان‌های مختلف و توزیع پراکندگی دانشجویان تحصیلات تکمیلی در استان‌های مختلف تعریف شده است. به همین ترتیب، در بخش شاخص‌های کیفی برای ارزیابی کیفیت سرمایه‌های انسانی، تولیدات علمی، وضع آموزشی و غیره، شاخص‌های کلان و تفصیلی تعیین شده‌اند.

این پژوهش نیز با نگاهی نظارتی و مدیریتی و با این فرض که می‌توان برخی آسیب‌های تحقیقات نقد ادبی و سبک‌شناسی را با نهادینه‌سازی و سامان‌دهی رفع کرد، روش بررسی مشابهی را درپیش گرفته است تا زمینه این تغییر را در معرفی یک چشم‌انداز پژوهش‌محور عملی کند. بر این اساس، شاخص‌های کمی و مشترکی برای بررسی مقالات سبک‌شناسی و نقد ادبی در نظر گرفته شد که به این موارد می‌پردازند: حوزه نظری و عملی، متون مورد مطالعه، رویکردهای سستی و جدید، تعداد نویسندگان، جنسیت نویسندگان، مقالات فردی و گروهی، و مانند آن‌ها.

۲-۱-۱. حوزه نظری و عملی

برای ترسیم دورنمایی از وضع موجود مطالعات سبکی و نقد می‌توان درصد پرداختن به حوزه نقد نظری و نقد عملی را سنجید. اینکه نویسندگان چه میزان ترجیح می‌دهند به شرح و تبیین یا نقد یک نظریه در زمینه سبک‌شناسی و نقد ادبی بپردازند، نشان‌دهنده میزان قدرت تحلیل و ارائه چارچوب‌های تازه پژوهشی است. بررسی ۱۹ مقاله در حوزه سبک‌شناسی و ۲۸ مقاله در نقد ادبی نشان می‌دهد در هر دو شاخه مطالعاتی، گرایش نویسندگان به بررسی متون و حوزه‌های عملی بیشتر است. اغلب نویسندگان ترجیح می‌دهند روش‌ها و نظریه‌های موجود را در بررسی متون به‌کار گیرند و مسائلی را مطرح کنند که قبلاً نظیر آن‌ها مطرح شده است و کمتر به مبانی نظری جدید یا معرفی چارچوب‌های تازه پژوهشی می‌پردازند. البته درصد پرداختن به حوزه نظری در مجله بهار ادب صفر است که در بررسی‌های جزئی‌تر باید به آن توجه شود. یکی از نکاتی که می‌توان در بررسی این شاخص به آن توجه کرد، نقش اداره‌کنندگان مجله در پذیرش مقالات در حوزه نظری است. شاید مقایسه این مجله با مجلات مشابه مانند پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (دانشگاه آزاد) نتیجه معناداری داشته باشد.

جدول ۱ توزیع مقالات براساس حوزه نظری یا عملی

جمع شمارگان	حوزه عملی		حوزه نظری		
	درصد	شمارگان	درصد	شمارگان	
۳۹	٪۱۰۰	۳۹	۰	۰	سبک‌شناسی
۲۸	٪۷۱.۴۲	۲۰	٪۲۸.۵۷	۸	نقد ادبی

۲-۱-۲. متون مورد مطالعه

انتخاب دامنه مطالعاتی ادبیات داستانی، شعر و دیگر متونی که نمی‌توان آن را ذیل شعر و داستان قرار داد، مانند نثرهای تاریخی، نشان‌دهنده میزان پراکندگی یا انسجام

دستاوردهای پژوهشی است که خود با نظارت و مدیریت تحقیقات ادبی مرتبط است. نتیجه به دست آمده دو گرایش متفاوت را نشان می‌دهد و شاید همان‌طور که در بخش قبل مطرح شد، تفاوت دیدگاه‌ها با سلیقه و دانش فردی اداره‌کنندگان مجله مرتبط باشد. از میان انواع متون نقدشده، بیشترین بسامد به داستان و کمترین به شعر اختصاص دارد؛ در حالی که بیشتر مقالات سبک‌شناسی به متون شعری مربوط است. در میان شعرهای نقدشده نیز داستان‌های منظوم بر دیگر انواع شعر غلبه دارد. با این نگاه، پژوهش‌های سبکی نیز به آثاری که صبغه داستانی دارند، تمایل بیشتری نشان داده‌اند؛ مانند *شاهنامه* و *گلستان*. دلیل این امر را می‌توان یا در قابلیت ذاتی فرایند «روایت» برای تحلیل و بررسی جست‌وجو کرد، یا در گرایش و سلیقه عصر در روی آوردن به داستان. درخور ذکر است در حوزه متون مورد مطالعه ابعاد دیگری نیز می‌توانست بررسی شود که در این مقاله به آن‌ها پرداخته نشده است؛ مانند موضوع و زمان پیدایش متن.

جدول ۲ توزیع مقالات براساس متون بررسی شده

جمع شمارگان	موارد دیگر		داستان		شعر		
	درصد	شمارگان	درصد	شمارگان	درصد	شمارگان	
۳۹	٪۲۸.۵	۱۱	٪۷.۵	۳	٪۶۴	۲۵	سبک‌شناسی
۲۰	٪۳۰	۶	٪۵۰	۱۰	٪۲۰	۴	نقد ادبی

۲-۱-۳. رویکردهای سنتی و جدید

از ویژگی‌های مشترک در سیر تکوینی مطالعات سبکی و نقد، گرایش به رویکردهای جزئی است که از مبانی فکری و فلسفی متفاوت برآمده و نتیجه یافته‌های زبان‌شناسی است که با خاستگاه گفتمانی آن‌ها مرتبط است. به نظر می‌رسد عبور از بررسی‌های کلی با عناوین «شناخت سبک اثر» یا «نقد و تحلیل اثر» به بررسی‌های جزئی و مبتنی بر رویکرد، مانند «نقد اثر با رویکرد روان‌کاوانه» یا «شناخت سبک اثر با دیدگاه زبان‌شناسی شناختی»، فرایندی است که به‌طور پراکنده در نوشته‌های دهه هشتاد اعمال

شده است. از بیست مقاله در حوزه نقد عملی، چهار مقاله که به نقد مقالات دیگر پرداخته بودند، در نتیجه آماری حذف شدند؛ زیرا مقالات نقد معمولاً آمیزه‌ای از رویکردهای جدید و سنتی اتخاذ می‌کنند. از شانزده مقاله باقی‌مانده، بیشتر مقالات، یعنی یازده مورد در عنوان خود به رویکرد مشخصی اشاره کرده‌اند؛ مانند «نقد اسطوره‌شناسی قصه نارنج و ترنج» (موسوی، ۱۳۸۹). این دریافت با نتیجه برآمده از مقالات سبک‌شناسی متفاوت است؛ یعنی بیشتر مقاله‌ها با روش سنتی به بررسی سبک متن پرداخته و رویکرد جدیدی اتخاذ نکرده‌اند. از نظر بسیاری از صاحب‌نظران دانشگاهی، این شاخصه بسیار مهمی است که از آن غفلت شده است. به تکرار و تأکید باید گفت این نتیجه نمی‌تواند گواهی بر بیگانگی ذاتی مطالعات سبکی با نظریه باشد؛ بلکه براساس هدف آسیب‌شناسانه این پژوهش می‌توان در نقش عواملی، مانند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی نهادهای مرتبط دقیق شد و همین طرح مسئله را به عنوان نتیجه تحقیق پذیرفت. البته، اگر سطح زبانی، ادبی و فکری را بر مبنای دسته‌بندی عناصر سبک از یکدیگر متمایز کنیم، می‌توان مقالات را از این دیدگاه هم بررسی کرد و به این نتیجه رسید که بیشتر مقالات به بررسی سطح زبانی و ادبی به صورت تلفیقی پرداخته‌اند و تعداد مقالاتی که سطح زبانی را به طور مستقل در نظر گرفته‌اند، از آثاری که به وجوه ادبی یا فکری توجه کرده‌اند، بیشتر است.

جدول ۳ توزیع مقالات براساس اشاره به رویکرد

جمع شمارگان	عدم ذکر رویکرد		ذکر رویکرد		
	درصد	شمارگان	درصد	شمارگان	
۳۹	٪۸۴.۵	۳۳	٪۱۵.۵	۶	سبک‌شناسی
۱۶	٪۳۱.۲۵	۵	٪۶۸.۷۵	۱۱	نقد ادبی

۲-۱-۴. نویسندگان

توزیع مقالات از نظر جنسیت نویسنده یا نویسندگان، مقطع تحصیلی آن‌ها و مقالات فردی (تک‌نویسنده) و گروهی (دونویسنده یا بیشتر) می‌تواند موقعیت سرمایه‌های انسانی فعال در این حوزه‌های مطالعاتی را مشخص کند.

۲-۱-۴. تعداد نویسندگان

در مجموع، تعداد کل مقالات منتشر شده در فصلنامه نقد ادبی، ۲۸ مقاله و تعداد کل نویسندگان ۴۱ نفر است؛ همچنین کل مقالات بررسی شده در مجله بهار ادب، ۳۹ مقاله و تعداد کل نویسندگان، ۶۳ نفر است. اختلاف تعداد نویسندگان و تعداد مقالات نتیجه مقالات گروهی است که در مجموع بر مقالات فردی غالب نیست. در حوزه نقد ادبی، بیشترین مقاله‌ها با نام یک نویسنده منتشر شده است و بین تعداد نویسندگان و تعداد مقالات رابطه معکوس وجود دارد؛ به این معنا که با حرکت پژوهش از کار فردی به کار جمعی، کاهش چشمگیری در تعداد پژوهش‌ها مشاهده می‌شود. در حوزه سبک‌شناسی، تعداد مقالات تک‌نویسنده و دونویسنده برابر است؛ اما تعداد مقالاتی که با همکاری سه نویسنده یا بیشتر نوشته شده است، اختلاف بسیاری با مقالات فردی و دونویسنده دارد.

جدول ۴ توزیع مقالات براساس تعداد نویسندگان

جمع شمارگان	تک‌نویسنده		دونویسنده		سه‌نویسنده		
	درصد	شمارگان	درصد	شمارگان	درصد	شمارگان	
۳۹	%۴۶	۱۸	%۴۶	۱۸	%۸	۳	سبک‌شناسی
۲۸	%۶۴.۲۶	۱۸	%۲۵	۷	%۱۰.۷۱	۳	نقد ادبی

۲-۱-۴. جنسیت نویسندگان

به نظر می‌رسد در برنامه‌ریزی‌های پژوهشی می‌توان علاقه و توانمندی جنسیت نویسندگان را لحاظ کرد. با این دیدگاه، پاسخ به این پرسش که جنسیت نویسندگان در انتخاب شاخه مطالعاتی نقد و سبک‌شناسی یا انتخاب حوزه‌های نظری و عملی، و پرداختن به مقالات فردی و گروهی چه نقشی دارد، دورنمایی از اولویت‌ها را در نهادینه‌سازی مطالعات ادبی مشخص می‌کند. در زمینه نقد ادبی، غلبه آماری با نویسندگان مرد است؛ یعنی نسبت ۲۲ به ۱۹ که این افزونی چندان چشمگیر نیست و می‌توان گفت میزان گرایش نویسندگان مرد و زن به نقد ادبی تقریباً برابر است. اما در

حوزه سبک‌شناسی، تعداد کل نویسندگان ۶۳ نفر است که تعداد نویسندگان زن سیزده نفر، یعنی یک‌چهارم نویسندگان مرد است. شاید پاسخ قطعی به این پرسش که آیا زنان مطالعات نقد را به سبک‌شناسی ترجیح می‌دهند، از این نتیجه مستفاد نشود؛ اما می‌توان آن را به‌عنوان یک فرض در مطالعات مشابه در نظر گرفت. مقایسه تعداد نویسندگان مرد و زن با تفکیک حوزه نظری و عملی مطالعات سبکی و نقد نشان می‌دهد در نقد نظری، برتری از آن نویسندگان مرد است و اختلاف تعداد دو گروه معنادار است؛ به‌گونه‌ای که تعداد مردان چهاربرابر زنان است. در تحقیق ممیزی رشته و دانش نقد ادبی در ایران که در آن تولیدات علمی مرتبط با نقد ادبی، اعم از کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، طرح‌های تحقیقی و مقالات با روش‌هایی متفاوت، مانند استفاده از پرسش‌نامه بررسی شده‌اند، همین نتیجه تأیید می‌شود. البته، در پژوهش‌های سبکی این اختلاف از میان برخاسته است؛ چون همه مقالات در حوزه عملی نوشته شده‌اند. اما توزیع مقالات از نظر جنسیت نویسندگان با تفکیک مقالات فردی و گروهی نیز بیانگر نکاتی است؛ چنان‌که از ۲۸ مقاله بررسی شده در فصلنامه نقد ادبی، ۱۸ مقاله حاصل کار فردی و ۱۰ مقاله برابند کار گروهی است. در مقالات فردی، درصد نویسندگان زن و مرد با هم برابر است و در مقالات گروهی، درصد حضور نویسندگان مرد بیش از زنان است. شاید بتوان نتیجه گرفت که در مقالات گروهی، مردان مشارکتی بیش از زنان داشته‌اند؛ اما در مقالات فردی فعالیت هر دو گروه یکسان بوده است. در تحقیقات سبک‌شناختی، تعداد نویسندگان مرد هم در مقالات فردی و هم در مقالات گروهی بیشتر از زنان بوده است و در هر دو حوزه، مردان بیش از ۷۵ درصد فعالیت داشته‌اند. شاید یکی از نتایج تحلیلی این آمار، اقبال بیشتر نویسندگان به دانش نقد ادبی در برابر مطالعات سبکی است.

جدول ۵ توزیع مقالات براساس جنسیت نویسندگان

جمع شمارگان	نویسندگان زن		نویسندگان مرد		
	درصد	شمارگان	درصد	شمارگان	
۶۳	۲۰.۵٪	۱۳	۷۹.۵٪	۵۰	سبک‌شناسی
۴۱	۴۶.۳۴٪	۱۹	۵۳.۶۶٪	۲۲	نقد ادبی

جدول ۶ توزیع مقالات براساس جنسیت نویسندگان با تفکیک حوزه نقد

جمع شمارگان	نویسندگان زن		نویسندگان مرد		
	درصد	شمارگان	درصد	شمارگان	
۱۰	٪۸۰	۲	٪۲۰	۸	نقد نظری
۳۱	٪۴۵.۱۶	۱۷	٪۵۴.۸۴	۱۴	نقد عملی

جدول ۷ توزیع مقالات براساس جنسیت نویسندگان با تفکیک مقالات فردی و گروهی

جمع شمارگان	نویسندگان زن		نویسندگان مرد		
	درصد	شمارگان	درصد	شمارگان	
۹	٪۲۲.۲۲	۲	٪۷۷.۷۷	۷	مقالات فردی سبک‌شناسی
۲۱	٪۱۹.۰۴	۴	٪۸۰.۹۵	۱۷	مقالات گروهی سبک‌شناسی
۱۸	٪۵۰	۹	٪۵۰	۹	مقالات فردی نقد ادبی
۲۳	٪۴۳.۴۸	۱۰	٪۵۶.۵۲	۱۳	مقالات گروهی نقد ادبی

۲-۲. شاخص‌های کیفی

۲-۲-۱. شاخص‌های کیفی در بررسی مقالات مرتبط با نقد ادبی

بررسی اجمالی مقالات مرتبط با نقد ادبی در دهه‌های هفتاد و هشتاد شمسی نشان می‌دهد در پایان دهه هشتاد، تعداد مقالات مرتبط با نقد ادبی افزایش یافته است و برخلاف سال‌های اولیه این دهه، بیشتر مقالات در مجله‌های علمی- پژوهشی و با مشارکت دو نویسنده تألیف شده‌اند که در اکثر آن‌ها، مقطع تحصیلی نویسنده اول دکتری است. مقاله‌ها شامل عنوان، چکیده و کلیدواژه‌هایی‌اند که به‌صراحت از روش

مطالعاتی نقد ادبی نام برده و با اتخاذ رویکردهای جزئی و جدید در نقد، مسیر خود را از سنت نقدهای ذوقی و کلی جدا کرده‌اند. افزون‌بر این، تألیف مقالات مرتبط با نقد بر ترجمه نظریه‌ها غلبه کامل دارد و گاه با نقدهایی روبه‌رو هستیم که می‌توان از آن‌ها به نقدهای عملی-نظری یاد کرد. این نقدها اغلب به تبیین دیدگاه‌ها و آثار یک منتقد پرداخته و ضمن تبیین مبانی نظری، نقدی بر آرا و اندیشه‌های منتقدان آورده‌اند. این ویژگی‌ها نمودار جریان یافتن مطالعات نقد در پایگاه‌های علمی و دانشگاهی است. با توجه به معیارهایی که از تعریف‌های نوین نقد ادبی به‌دست داده شد، پرسش‌های زیر طراحی و بر ۲۸ مقاله از فصلنامه *نقد ادبی* در سال ۱۳۸۹ عرضه شد. بدیهی است پرسش‌های مرتبط با شاخص‌های کیفی ذاتاً نسبی هستند.

۱. آیا نویسنده از توصیف به‌سمت تحلیل و واکاوی معنا پیش رفته است؟

۲. آیا بر تحلیل‌ها تفکر انتقادی حاکم است؟

۱-۲. آیا نویسنده در بخش پیشینه، درباره کارهای قبلی و منابعی که استفاده شده، اظهارنظر کرده است؟

۲-۲. آیا نویسنده دیدگاه یا دیدگاه‌هایی را با ذکر دلیل، قبول یا رد کرده است؟

۲-۳. آیا نویسنده با ذکر دلیل ادعای نوآوری داشته است؟

۳. نوآوری مقالات مرتبط با نقد عملی از نظر انتخاب رویکرد چگونه ارزیابی می‌شود؟

۱-۳. آیا متن مورد بررسی با رویکرد انتخابی نویسنده، قبل از انتشار مقاله بررسی شده است؟

۲-۳. آیا نویسنده الگویی در تحیل متن با رویکرد منتخب داشته است؟

۳-۳. نویسندگان چه میزان از رویکردهای مشهور در بررسی متون بهره برده‌اند؟

مقایسه جنبه‌های توصیفی و تحلیلی در مقالات نقد ادبی گویای این است که نسبت تعداد مقاله‌های تحلیلی به مقالات توصیفی، نوزده به دو است و حدود ۶۸ درصد از مقالاتی که در فصلنامه *نقد ادبی* منتشر شده‌اند، مبتنی بر تحلیل هستند. اما در هفت مقاله (برابر ۲۵ درصد از کل مقالات) گرایش اندکی به تحلیل دیده می‌شود؛ به این معنا که یا حجم توصیف در بدنه مقاله بیش از تحلیل است، یا تحلیل‌ها نوآورانه نیستند و با ارجاع یا بدون ارجاع به مقالات قبلی، یافته‌های دیگران را تکرار کرده‌اند.

جدول ۸ میزان توصیف و تحلیل در مقالات

درصد	شمارگان	مقالات توصیفی و تحلیلی
۷.۱۳٪	۲	توصیفی
۲۵٪	۷	گرایش اندک به تحلیل
۶۷.۸۶٪	۱۹	کاملاً تحلیلی
۱۰۰.۰۰٪	۲۸	جمع

به نظر می‌رسد تفکر انتقادی حاکم بر مقالات نقد را می‌توان در سه قلمرو ارزیابی کرد: ۱. اظهار نظر درباره پیشینه تحقیق و منابع مورد استفاده؛ ۲. قبول یا رد فرضیه‌ها، روش‌ها یا رویکردها با ذکر دلیل؛ ۳. ادعای نوآوری با ذکر دلیل. چهار مقاله نقد به دلیل داشتن رویکرد تلفیقی و ذوقی یا فقدان پی‌نوشت و کتاب‌نامه یا مشخص نبودن نقد روش با نقد شخص و یا ارائه راهکار در دسته‌بندی‌های تحقیق، لحاظ نشد و از پژوهش حذف شد. از ۲۴ مقاله مورد مطالعه، ۱۳ مقاله درباره منابع و پیشینه پژوهش اظهار نظر کرده و ۱۱ مقاله دیگر به ذکر سابقه تحقیق بسنده کرده‌اند؛ به عبارتی نیمی از مقالات از این صبغه انتقادی برخوردارند و نیم دیگر این جنبه را فرو گذاشته‌اند. رد و قبول نظریه‌ها و دیدگاه‌های دیگران نیز نسبت تقریباً مساوی دارند؛ زیرا این تحلیل در اظهار نظرهایی بازتاب یافته است که درباره پیشینه تحقیق آمده یا نیامده‌اند. در مجموع، درصد چشمگیری از مقالات (۴۵.۸۳ درصد) از لحاظ اظهار نظر درباره پیشینه تحقیق یا منابع و یا نظریه‌ها و رویکردهای دیگر، فاقد تحلیل‌های انتقادی هستند. اما ضعیف‌ترین جنبه انتقادی مقالات به نوآوری‌ها بازمی‌گردد و بیش از ۷۰ درصد مقالات فاقد نوآوری نظری یا عملی هستند. مقالات نقد نظری بیش از مقالات نقد عملی حاوی تحلیل‌های انتقادی هستند؛ البته باید در نظر داشت تعداد مقالات نقد نظری (هشت مقاله) از مقالات نقد عملی (شانزده مقاله) کمتر است و همچنین، ملاک تشخیص نقد نظری و نقد عملی، راهنمایی سردبیر مجله است که می‌توان با آن مخالفت‌هایی داشت؛ زیرا گذشته از مقالاتی که مبانی نظری جدیدی را مطرح می‌کنند، از مقالات بازبینی^۴ هم نمونه‌هایی عالی دیده می‌شود که پیشنهادهای تازه و نوآوری‌هایی دارند و مبتنی بر

تحلیل انتقادی‌اند؛ مانند مقاله «پیشینه و بنیادهای نظری رویکرد نقد اسطوره‌ای و زمینه و شیوه کاربرد آن در خوانش متون ادبی» (قائمی، ۱۳۸۹: ۳۲).

جدول ۹ میزان تفکر انتقادی حاکم بر مقالات

درصد	شمارگان	میزان تفکر انتقادی حاکم بر مقالات
٪۵۴.۱۷	۱۳	قبول یا رد دیدگاه‌هایی با ذکر دلیل
٪۴۵.۸۳	۱۱	بدون قبول یا رد دیدگاه‌هایی با ذکر دلیل
٪۱۰۰.۰۰	۲۴	جمع
٪۲۹.۱۷	۷	ادعای نوآوری با ذکر دلیل
٪۷۰.۸۳	۱۷	فقدان نوآوری قابل قبول
٪۱۰۰.۰۰	۲۴	جمع
٪۳۰.۷۷	۴	متن قبلاً با رویکرد مشابه بررسی شده است.
٪۶۹.۲۳	۹	متن نخستین بار با این رویکرد بررسی شده است.
٪۱۰۰.۰۰	۱۳	جمع

تعداد مقالات مرتبط با نقد عملی که از قابلیت بررسی انتخاب رویکردهای جدید یا آزموده‌شده برخوردارند، سیزده مقاله است؛ زیرا از شانزده مقاله نقد عملی در سه مقاله، رویکرد مشخصی اتخاذ نشده است و از این میان، غلبه با مقالاتی است که متنی را برای نخستین بار با رویکرد انتخابی خود تحلیل کرده‌اند. اما درباره الگوی تحلیل متن با رویکرد منتخب، نتیجه متفاوت است؛ به این معنا که جز یک مقاله، دیگر مقالات الگویی آزموده‌شده را دوباره به کار بسته‌اند؛ بنابراین نوآوری‌ها بیشتر به گزینش متون جدید معطوف‌اند تا شیوه‌های نقد متون. آمار نشان می‌دهد نقد نظری و نقد عملی در استفاده از رویکردهای مشهور، جهت‌گیری معکوس دارند؛ یعنی در نقد عملی در مقایسه با نقد نظری از چارچوب‌های مشهور بیشتر استفاده شده است. از بین رویکردهای مطرح‌شده، بیشترین اقبال مقالات در سال ۱۳۸۹ به این رویکردها بوده است: نقد اسطوره‌ای، نقد ساختاری، نظریه‌های جدید استعاره (نظریات شناختی- مفهومی)، نشانه‌شناسی و روایت‌شناسی.

جدول ۱۰ میزان اتخاذ رویکردهای آزموده شده و رویکردهای جدید

میزان اتخاذ رویکردهای آزموده شده و رویکردهای جدید	شمارگان	درصد
متن قبلاً با رویکرد مشابه بررسی شده است.	۴	٪۳۰.۷۷
متن نخستین بار با این رویکرد بررسی شده است.	۹	٪۶۹.۲۳
جمع	۱۳	٪۱۰۰.۰۰
نویسنده یک الگوی آزموده شده را به کار گرفته است.	۱۲	٪۹۲.۳۱
نویسنده به الگوی جدیدی دست یافته است.	۱	٪۷.۷
جمع	۱۳	٪۱۰۰.۰۰

جدول ۱۱ میزان اتخاذ رویکردهای مشهور

نقد نظری		نقد عملی		
شمارگان	درصد	شمارگان	درصد	
۳	٪۳۷.۵	۱۳	٪۸۱.۲۵	استفاده از رویکردهای مشهور
۵	٪۶۲.۵	۳	٪۱۸.۷۵	عدم استفاده از رویکردهای مشهور
۸	٪۱۰۰.۰۰	۱۶	٪۱۰۰.۰۰	جمع

۲-۲-۲. شاخص‌های کیفی در بررسی مقالات مرتبط با سبک‌شناسی

یکی از مشهودترین نکات در بررسی ضعف‌های تحقیقات نقد ادبی، فقدان شواهد جزئی و مثال‌های متنی است که انطباق یک نظریه ادبی را با متن تأیید کند. بسیاری از مقالات دهه هشتاد محصول کنارهم‌گذاری توصیف نظریه و توصیف ویژگی‌های کلی متن هستند و این روش بررسی بیش از آنکه تحلیل متن براساس نظریه باشد، تحمیل نظریه بر متن است. پیوند ذاتی میان سبک‌شناسی و نقد ادبی از تقدم و تأخر منطقی میان توصیف و تحلیل برمی‌آید و یکی از راه‌های برون‌رفت از آشفتگی تحقیقات نقد، توسعه پژوهش‌های سبکی است. بدیهی است بسیاری از موضوعات علمی که به تفکیک مطالعه می‌شوند، در مراحل با یکدیگر تلاقی پیدا می‌کنند و در مراحل دیگر

با هم تمایز دارند. این پیوست و گسست‌ها خود، دلیل بررسی مقایسه‌ای میان این موضوعات است. به عبارت دیگر، سامان‌دهی نقد علمی و دانشگاهی، سامان‌دهی تولیدات علمی مرتبط با نقد، از جمله سبک‌شناسی است. چنانچه خوانش آزادانه و تفسیر شخصی جای خود را به سرشت‌شناسی متن دهد، نقد ادبی و جهه علمی‌اش را بازخواهد یافت. اما ارزیابی کدام ویژگی‌ها می‌تواند موقعیت پژوهش‌های سبکی را مشخص کند؟ فتوحی در بازخوانی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌های سبک‌شناختی، تألیف خود را به دو بخش سبک‌شناسی نظری و سبک‌شناسی عملی تقسیم کرده است. در بخش اول با جمع‌بندی آرای مختلف دانشمندان علم سبک‌شناسی، شش مفهوم بنیادین برای شکل گرفتن سبک تعریف کرده است:

سبک‌شناسان برای بیان ماهیت سبک چند مفهوم بنیادین را در کانون نگاه خود قرار داده‌اند و هر گروه در تعریف سبک به یکی از آن مفاهیم بیشتر توجه داشته‌اند. این مفاهیم عبارت‌اند از: گزینش از زبان، خروج از زبان معیار، تکرار و تداوم، گونه کاربردی زبان، موقعیت گفتار و فردیت (فتوحی، ۱۳۹۰ الف: ۳۵).

براساس این، می‌توان بررسی مقاله‌های سبک‌پژوهی را با چند پرسش زیر پی‌گرفت که در مقایسه با شاخص‌های کمی، ناهمسان می‌نمایند. درخور ذکر است تفاوت ذاتی شاخص‌های کمی و کیفی موجب اختیار شاخص‌های همسان در بحث کمیت و شاخص‌های ناهمسان در بحث کیفیت شده است.

۱. آیا نویسنده سبک یک اثر را به‌عنوان نمود فردیت بررسی کرده است؟

۱-۱. آیا مقاله نتایج مشخصی از طرز بیان نویسنده / شاعر به‌دست داده است؟

۱-۲. آیا داده‌های سبکی وجه تمایز اثر مورد بررسی را با آثار دیگر نشان داده است؛ به این معنا که نشان دهد چگونه یک پیام یا درون‌مایه مشترک با آثار دیگر با تعبیرهای مختص هنرمند به‌شکل متفاوتی بیان شده است؟

۲. آیا سبک به‌معنای ویژگی‌هایی که با موقعیت گفتار و فردیت متناسب است، در نظر گرفته شده؟

۲-۱. آیا نویسنده مقاله به این مسئله پرداخته است که چگونه طرز بیان نویسنده /

شاعر احوال نفسانی و عاطفی او را بازتاب می‌دهد؟

۳. آیا نویسنده بر گزینش‌های زبانی متن تأکید کرده است؟

- ۳-۱. آیا در بررسی سبک متن به تمایز سطح زبانی، ادبی و فکری پرداخته شده است؟
- ۳-۲. داده‌های سبکی مقاله بر کدام مورد تأکید بیشتری دارد: انتخاب الفاظ، ترکیب جمله‌ها و عبارت‌ها، عناصر زیبایی‌شناسانه، موسیقی کلام، تعبیرها و ترکیب‌های مجازی یا شگردهای ایراد معنا مطابق علم معانی و مانند آن‌ها؟
- ۳-۳. عوامل زبانی که به‌عنوان عناصر سبکی در مقاله لحاظ شده‌اند، کدام‌اند؟ عناصر صرفی (شامل واژه‌های بیگانه، واژه‌های نو و مانند آن‌ها) یا عناصر نحوی (شامل انواع جمله، رابطه جمله‌ها و مانند آن‌ها).
۴. آیا نویسنده بر بسامد عنصر یا عناصری که انحراف از نُرم و زبان معیار هستند، تأکید کرده است؟
۵. آیا بررسی سبکی به بسامد بالای ویژگی‌های سبک‌ساز توجه داشته است؟
- بازخوانی ۱۹ مقاله در فصلنامه تخصصی *سبک‌شناسی نظم و نشر (بهار ادب)* (سال سوم، شماره‌های اول و دوم، بهار و تابستان ۱۳۸۹) نشان می‌دهد ۱۴ مقاله (برابر ۷۴ درصد کل مقالات) نتایج مشخصی از طرز بیان نویسنده یا شاعر به‌دست داده‌اند و از این میان، ۱۰ مقاله (برابر ۵۳ درصد کل مقالات) سبک اثر را به‌عنوان نمودی از فردیت مؤلف تحلیل کرده‌اند؛ البته نقد نمونه‌هایی از این مقالات در پایان این نوشته آمده است.

جدول ۱۲ میزان تعریف سبک با شاخص «نمود فردیت»

درصد	شمارگان	سبک؛ نمود فردیت
۵۲.۶۳٪	۱۰	بیان ویژگی‌های متمایز سبکی و بازتاب‌دهنده فردیت
۴۷.۳۶٪	۹	بسنده کردن به نتایج مشخص از طرز بیان مؤلف
۱۰۰.۰۰٪	۱۹	جمع

تعداد مقالاتی که ویژگی سبکی را معادل انحراف از نرم و زبان معیار دانسته و سبک را برابر تکرار این مشخصه در نظر گرفته‌اند، ده مقاله است و در واقع، حدود نیمی از مقالات به بسامد عنصر یا عنصری که خروج از هنجار به‌شمار می‌آیند، نپرداخته‌اند.

جدول ۱۳ میزان تعریف سبک با شاخص «بسامد عناصر انحراف از نرم»

درصد	شمارگان	سبک؛ نمود بسامد عناصر انحراف از نرم
۵۲.۶۳٪	۱۰	تأکید بر ویژگی‌های سبکی تکرارشونده
۴۷.۳۶٪	۹	بی‌توجهی به مسئله انحراف از معیار و بسامد
۱۰۰.۰۰٪	۱۹	جمع

دوازده مقاله از کل مقالات، سبک را نمود تناسب گفتار با موقعیت مؤلف دانسته و به این مسئله پرداخته‌اند که چگونه طرز بیان نویسنده یا شاعر احوال درونی او را بازتاب می‌دهد. نگاهی دوباره به آمار ۵۰ تا ۶۰ درصد، مؤید این نتیجه است که در مجله *بهار ادب* برای تعریف‌های مختلف سبک به‌طور میانگین یک بروز و ظهور بینابین وجود دارد.

جدول ۱۴ میزان تعریف سبک با شاخص «تناسب گفتار با موقعیت مؤلف»

درصد	شمارگان	سبک؛ نمود تناسب گفتار با موقعیت مؤلف
۶۳.۱۵٪	۱۲	تأکید بر بازتاب احوال درونی مؤلف
۳۶.۸۴٪	۷	بی‌توجهی به تناسب زبان اثر و درونیات مؤلف
۱۰۰.۰۰٪	۱۹	جمع

اما بیشتر مؤلفان بر گزینش‌های زبانی به‌عنوان ویژگی سبکی تأکید کرده‌اند؛ اگرچه کمتر به تمایز سطوح زبانی، ادبی و فکری اشاره کرده و تقریباً از تفکیک حوزه‌های یادشده آگاهی نداشته‌اند. داده‌های سبکی مقالات اغلب به انتخاب الفاظ و ترکیب جمله‌ها و عبارات‌ها ناظر است و در ساحت زیبایی‌شناسی کلام شاعرانه، موسیقی و وزن شعر به شگردهای ایراد معنا مطابق علم معانی یا تعبیرات و ترکیبات مجازی مطابق علم بیان ترجیح داده شده است. از میان عوامل زبانی نیز رویکرد غالب، بررسی واژگانی است و بر عناصر دستوری تقدم دارد.

جدول ۱۵ میزان تعریف سبک با شاخص «گزینش‌های زبانی»

درصد	شمارگان (تعداد کل: ۱۹)	سبک؛ نمود گزینش‌های زبانی
٪۳۶.۸۴	۷	توجه به تمایز سطح زبانی، ادبی و فکری
٪۴۲.۱۱	۸	توجه به انتخاب الفاظ، و ترکیب جمله‌ها و عبارت‌ها
٪۳۱.۵۷	۶	توجه به شگرد ایراد معنا مطابق علم معانی
٪۲۱.۰۵	۴	توجه به وزن و موسیقی کلام
٪۷۳.۶۸	۱۴	توجه به عناصر صرفی و ساحت واژگانی

۳. نتیجه

الف. مقایسه عنوان مقالات سبک‌شناسی و نقد ادبی نشان می‌دهد در برخی موارد هنوز مرز قاطع و روشنی میان این دو حوزه مطالعاتی تثبیت نشده؛ چنان‌که فهرست مقالات فصلنامه *نقد ادبی* - که در همین مقاله به آن پرداخته شد- دال بر این است که در بسیاری از مقالات، تأملات سبک‌شناسانه براساس رویکردهای نوین زبان‌شناسی مورد توجه نویسندگان بوده است.

ب. بررسی مقالات سبک‌شناسی و نقد با شاخص‌های کمی گویای این است: ۱. در هر دو شاخه مطالعاتی، گرایش نویسندگان به بررسی متون و حوزه‌های عملی بیشتر بوده است و نویسندگان کاریست نظریه‌های آزموده‌شده را در انطباق نظریه‌ها با متون ترجیح داده‌اند. ۲. از میان انواع متون نقدشده، داستان بر شعر غالب است؛ اما نویسندگان مقالات سبک بیشتر به متون شعری پرداخته‌اند. ۳. سرعت عبور دو دانش سبک‌شناسی و نقد ادبی در گذر از گرایش‌های سنتی متفاوت است؛ زیرا مقالات نقد بیشتر به نظریه‌ها و رویکردهای جدید نظر داشته‌اند و مقالات سبک کمتر به رویکردهای مستقل سبک‌شناختی روی آورده‌اند؛ البته بدون در نظر گرفتن نقش و تفاوت اداره‌کنندگان مجله، نتیجه به‌دست‌آمده چندان قابل استناد نیست. ۴. بررسی توزیع مقالات از نظر تعداد نویسندگان نشان می‌دهد در حوزه نقد ادبی مقالات تک‌نویسنده بیشتر از مقالات گروهی است؛ اما در حوزه سبک‌شناسی تعداد مقالات

تک‌نویسنده با دونویسنده برابر است. ۵. میزان گرایش نویسندگان مرد و زن به نقد ادبی تقریباً برابر است؛ اگرچه اختلاف معناداری در گرایش آن‌ها به نقد نظری وجود دارد و برتری از آن نویسندگان مرد است. در پژوهش‌های سبکی، درصد نویسندگان زن و مرد در مقالات فردی برابر است و در مقالات گروهی تعداد نویسندگان مرد بیشتر است.

ج. بررسی مقالات نقد با شاخص‌های کیفی نشان می‌دهد: ۱. بیشتر مقالات فصلنامه *نقد ادبی* مبتنی بر تحلیل‌اند. ۲. نیمی از مقالات از این جهت، صبغه انتقادی دارند که درباره منابع و پیشینه پژوهش اظهار نظر کرده‌اند؛ همچنین نیمی از مقالات با رد و قبول نظریه‌ها و دیدگاه‌های دیگران، وجهه انتقادی دارند. ۳. ضعیف‌ترین جنبه انتقادی مقالات به نوآوری‌های نظری و عملی بازمی‌گردد؛ یعنی تعداد کمی از مقالات، متنی را برای نخستین بار با رویکرد انتخابی خود تحلیل کرده‌اند؛ البته گزینش متون جدید در مقالات نقد درخور توجه است.

د. بررسی مقالات سبک‌شناسی با شاخص‌های کیفی نشان می‌دهد: ۱. نیمی از مقالات سبک را به‌عنوان نمودی از فردیت مؤلف تحلیل کرده‌اند. ۲. نیمی از مقالات ویژگی سبکی را معادل انحراف از نرم و زبان معیار دانسته‌اند و تلقی‌شان از سبک، تکرار چنین مشخصه‌هایی بوده است؛ البته صحت و سقم این تحلیل‌ها محل تردید است که در بخش بعد ذکر شده است. ۳. بیشتر مقالات با تأکید بر اینکه متن باید احوال درونی مؤلف را بازتابد، صرف‌نظر از درستی یا نادرستی آن، سبک را نمود تناسب گفتار با موقعیت مؤلف دانسته‌اند. ۴. مقالاتی که سبک را نمود گزینش‌های زبانی دانسته‌اند، از میان عناصر زبان، بیشتر به عناصر صرفی و ساخت واژگانی و کمتر به وزن و موسیقی کلام نظر داشته‌اند.

بااینکه مجله *بهار ادب* به شکل تخصصی، سبک‌شناسی قلمداد شده، بسیاری از مقالات آن خارج از حوزه تخصصی سبک‌شناسی است. برای مثال، در مقاله «بررسی سبک غزلیات کمال‌الدین اسماعیل» این نتیجه به دست آمده است:

وصف عشق و عاشقی و معشوق، طبیعت، توصیه به باده‌خواری، شکوه و شکایت از محتوای اصلی غزلیات کمال‌الدین است. شاعر به بحر رمل علاقه بیشتری دارد

و یک‌سوم غزلیات خود را در بحر رمل سروده است. هشتادوسه درصد از غزلیات کمال مردف هستند. او به موسیقی کناری توجه خاصی دارد. موسیقی درونی ضعیف‌ترین بعد موسیقی در غزلیات کمال است. جملات اغلب ساده، کوتاه و روان هستند و کاربرد فعل و رقص ضمیر بسامد بالایی دارد. اغراق، تضاد، سؤال و جواب، تشبیه محسوس به محسوس، اضافه‌های تشبیهی و تشخیص مهم‌ترین عناصر ساختار ادبی در غزلیات خلاق‌المعانی است (رحیمی، ۱۳۸۹: ۱۳-۳۳).

درحالی که ذکر آمارهایی از اثر شاعر یا بیان چند نمونه از تمهیدات ادبی با اطلاق فردیت سبکی به آن، خلاف معاییر سبک‌شناسی است و مشمول تردیدهایی از این قبیل است: کدام یک از ویژگی‌های یادشده در غزلیات کمال منحصربه‌فرد است؟ کدام شاعر ایرانی به موسیقی کناری توجه خاص ندارد؟ آیا ضعف موسیقی درونی ویژگی عمومی بسیاری از غزل‌های فارسی نیست؟ آیا صناعات ادبی تشبیه حسی به حسی و حسن تعلیل در غزلیات جمال‌الدین پدر کمال‌الدین اسماعیل، خاقانی، انوری و سنایی نیست؟ و اینکه سرانجام ویژگی سبکی خاص کمال‌الدین اسماعیل کدام است؟

همچنین، در مقاله «مقایسه سبک تأویل احمد غزالی و ابوالفضل رشیدالدین میبدی» که شامل هجده صفحه است، اصطلاح سبک که در عنوان آمده، اصلاً به معانی تخصصی واژه در متن نیامده و هیچ نشانی از مباحث سبک‌شناسی در بخش اصلی مقاله دیده نمی‌شود؛ زیرا این مقاله اصلاً درباره دو روش تأویل سخن می‌گوید و ربطی به سبک‌شناسی ندارد.

نظیر این ناهمخوانی در شماره‌های دیگر مجله - که البته ذیل فهرست مورد مطالعه این مقاله قرار نمی‌گیرد - نیز مشهود است؛ چنان‌که در شماره ۲۰ تابستان ۱۳۹۲، هفت مقاله از بیست مقاله خارج از حوزه مطالعات سبک‌شناسی است؛ مانند «جلال‌الدین حافظ سعد تبریزی: زندگی و اشعار»، «شخصیت ضد اجتماعی افراسیاب در شاهنامه فردوسی؛ ترانه‌های نوازش کودک: نازآواهای مادران و زنان»، «پژوهشی در سرچشمه‌های علم بیان در شعر قرن چهارم؛ تأملی در ارتباط نحو و معنا در روایت»، «معرفی زندگانی و آثار مولانا شمس‌الدین محمد تبادکانی طوسی»، «معرفی زندگانی و

شاعری و کتابت ابوالفتح بستنی»، «تأثیر مکتب‌های زبان‌شناسانه در دستورنویسی زبان فارسی» و «ارزیابی پاسخ‌های مباحث عروض و قافیه آزمون‌های دکتری». مقایسه شاخص تأثیر مجله *بهار ادب* با *نقد ادبی* در سال ۱۳۸۹ نیز درخور توجه است:

جدول ۱۶ شاخص تأثیر دو مجله *بهار ادب* و *نقد ادبی*

مجله	تعداد مقالات	خوداستنادی مجله	در مجلات دیگر	تعداد اسنادها	درصد
نقد ادبی	۲۸	۰٪	۵=۱۰٪	۵	۱۷.۸۷٪
سبک‌شناسی	۴۲	۱=۱۰٪	۰٪	۱	۰.۸۴٪

پی‌نوشت‌ها

1. stylistic
2. criticism

۳. بخشی از گزاره‌های بندهای سوم و چهارم و منابع ذکرشده در آن از مقاله «نظریه سبک در ایران (روش‌های سبک‌شناسی)» برگرفته شده است (ایران‌زاده، ۱۳۹۰).

4. review

منابع

- آبرامز، ام. اچ. (۱۳۷۳). *دایرةالمعارف اصطلاحات ادبی*. تهران: رهروان تربیت.
- ایران‌زاده، نعمت‌الله (۱۳۹۰). «نظریه سبک در ایران (روش‌های سبک‌شناسی)». *فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*. س ۴. ش ۲. صص ۱-۲۰.
- پاینده، حسین (۱۳۸۹). *داستان کوتاه در ایران*. ج ۱: *داستان‌های رئالیستی و ناتورالیستی*. تهران: نیلوفر.
- پاینده، حسین (۱۳۹۰). *گفتمان نقد: مقالاتی در نقد ادبی*. ج ۲. ۲. تهران: نیلوفر.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۷۴). *سفر در مه: تأملی در شعر احمد شاملو*. تهران: زمستان.
- حیاتی، زهرا (۱۳۹۱). *ممیزی رشته و دانش نقد ادبی در ایران*. نهاد سفارش‌دهنده: دفتر ممیزی توسعه علوم. نهاد مجری: انجمن نقد ادبی ایران. محل نگهداری: معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری.

- خطیبی، حسین (۱۳۷۵). *فن نشر در ادب پارسی*. ج ۲. تهران: زوار.
- رضی، احمد و عبدالله راز (۱۳۹۰). «نقد ادبی، رویکردی میان‌رشته‌ای» در *نامه نقد* (مجموعه مقالات). به‌کوشش محمود فتوحی. دفتر اول. تهران: خانه کتاب. صص ۶۲۱-۶۶۴.

- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۶). *شاعر آینه‌ها*. تهران: آگاه.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۲). *کلیات سبک‌شناسی*. تهران: فردوس.
- عبادیان، محمود (۱۳۷۲). *درآمدی بر سبک‌شناسی در ادبیات*. ج ۲. تهران: آوای نور.
- فتوحی، محمود (۱۳۸۵). *نقد ادبی در سبک‌شناسی*. ج ۲ و ۲. تهران: سخن.
- _____ (۱۳۹۰ الف). *سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*. تهران: سخن.
- _____ (۱۳۹۰ ب). *نامه نقد* (مجموعه مقالات). دفتر اول. تهران: خانه کتاب.
- کادن. جی. آ. (۱۳۷۷). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. همدان: فن‌آوران.
- معین، محمد (۱۳۷۱). *فرهنگ فارسی*. ج ۸. تهران: امیرکبیر.

مقالات فصلنامه نقد ادبی

- ابراهیمی، معصومه (۱۳۸۹). «نقد اسطوره‌شناختی دیوها و موجودات ماورایی در داستان سلیم جواهر». *نقد ادبی*. س ۳. ش ۱۱-۱۲. صص ۵۷-۸۶.
- افشین وفایی، محمد (۱۳۸۹). «پژوهش‌های تکراری، نتیجه غفلت از پیشینه تحقیق». *نقد ادبی*. س ۳. ش ۹. صص ۱۷۷-۱۷۹ (نقد مقاله).
- باباخانی، مصطفی (۱۳۸۹). «اسطوره در شناخت ادبیات». *نقد ادبی*. س ۳. ش ۱۱-۱۲. صص ۷-۳۲.
- بامشکی، سمیرا و ابوالقاسم قوام (۱۳۸۹). «نقش‌های روایت‌شنو در مثنوی». *نقد ادبی*. س ۳. ش ۹. صص ۱۱۳-۱۱۷.
- بهفر، مه‌ری (۱۳۸۹). «ناسازگاری نظریه با نوع ادبی». *نقد ادبی*. س ۳. ش ۱۰. صص ۲۰۵-۲۱۱.
- بهنام، مینا (۱۳۸۹). «استعاره مفهومی نور در دیوان شمس». *نقد ادبی*. س ۳. ش ۱۰. صص ۹۱-۱۱۴.

- بهین، بهرام (۱۳۸۹). «گفتمان فلسفی مدرن و نگارش مسئولانه». *نقد ادبی*. س ۳. ش ۹. صص ۷-۲۳.
- بیات، حسین (۱۳۸۹). «محوریت قهرمانان زن در قصه‌های عامیانه». *نقد ادبی*. س ۳. ش ۱۱-۱۲. صص ۸۷-۱۱۵.
- پشوتنی‌زاده، آزاده و رامین اخوی‌جو (۱۳۸۹). «رمزپردازی در داستان "سفره وهمرو" از ادبیات شفاهی و فولکلور خطه خرمشاه یزد». *نقد ادبی*. س ۳. ش ۱۱-۱۲. صص ۱۱۷-۱۴۱.
- جعفرپور، میلاد (۱۳۸۹). «سبک‌های ازدواج در سمک عیار». *نقد ادبی*. س ۳. ش ۱۱-۱۲. صص ۱۴۳-۱۷۰.
- خدیش، پگاه (۱۳۸۹). «الگوهای ساختاری افسانه‌های سحرآمیز». *نقد ادبی*. س ۳. ش ۱۱-۱۲. صص ۱۷۱-۱۸۴.
- دهقانی یزدلی، هادی و محمدصالح امیری (۱۳۸۹). «رمزگشایی روایت "بی‌بی‌ها". *نقد ادبی*. س ۳. ش ۱۱-۱۲. صص ۱۸۵-۲۰۳.
- سارلی، ناصرقلی و فاطمه سعادت درخشان (۱۳۸۹). «دوره‌بندی تاریخ دانش بلاغت فارسی». *نقد ادبی*. س ۳. ش ۱۰. صص ۷-۳۳.
- سنگی، نرجس‌السادات (۱۳۸۹). «نقدی بر مقاله ژرف‌ساخت اسطوره‌ای رمان رود راوی». *نقد ادبی*. س ۳. ش ۹. صص ۱۶۵-۱۷۰.
- صادقی اصفهانی، لیلا (۱۳۸۹). «بررسی عناصر جهان متن براساس رویکرد بوطیقای شناختی در یوزپلنگانی که با من دیده‌اند اثر بیژن نجدی». *نقد ادبی*. س ۳. ش ۱۰. صص ۱۱۵-۱۴۲.
- عابدینی‌فرد، مصطفی (۱۳۸۹). «نهیلیسم در رباعی‌های خیام». *نقد ادبی*. س ۳. ش ۱۰. صص ۱۴۳-۱۷۴.
- غفاری، سحر (۱۳۸۹). «پسامدرن تصنعی (نقد و بررسی شگردهای فراداستان در رمان بیوتن)». *نقد ادبی*. س ۳. ش ۹. صص ۷۳-۸۹.
- غلامحسین‌زاده، غلامحسین، حسن ذوالفقاری و فاطمه فرخی (۱۳۸۹). «ساختارشناسی بن‌مایه‌های حمزه‌نامه». *نقد ادبی*. س ۳. ش ۱۱-۱۲. صص ۲۰۵-۲۳۲.
- فاطمی، سیدحسین و داوود عمارتی‌مقدم (۱۳۸۹). «شعر حجم و کویسم (بازخوانی مبانی نظری شعر حجم براساس زیبایی‌شناسی کویسم)». *نقد ادبی*. س ۳. ش ۹. صص ۲۹-۴۸.

- فتوحی، محمود (۱۳۸۹). «از کلام متمکن تا کلام مغلوب». *نقد ادبی*. س ۳. ش ۱۰. صص ۳۵-۶۲.
- قاسمی‌پور، قدرت (۱۳۸۹). «وجه دربرابر گونه: بحثی در قلمرو نظریه انواع ادبی». *نقد ادبی*. س ۳. ش ۱۰. صص ۶۳-۸۹.
- قائمی، فرزاد (۱۳۸۹). «پیشینه و بنیادهای نظری رویکرد نقد اسطوره‌ای و زمینه و شیوه کاربرد آن در خوانش متون ادبی». *نقد ادبی*. س ۳. ش ۱۱-۱۲. صص ۳۳-۵۶.
- کردزعفرانلو کامبوزیا، عالیه و خدیجه حاجیان (۱۳۸۹). «استعاره‌های جهتی قرآن با رویکرد شناختی». *نقد ادبی*. س ۳. ش ۹. صص ۱۱۵-۱۳۹.
- گرچی، مصطفی، فاطمه کوپا و محمدرضا کهندانی (۱۳۸۹). «مفهوم "درد و رنج" در نگاه شاعران زن معاصر». *نقد ادبی*. س ۳. ش ۹. صص ۱۴۱-۱۶۲.
- موسوی، مصطفی و ثمن اسپرغم (۱۳۸۹). «نقد اسطوره‌شناسی قصه دختر نارنج و ترنج». *نقد ادبی*. س ۳. ش ۱۱-۱۲. صص ۲۳۲-۲۵۵.
- نجفیان، آرزو، حیات عامری و صدیقه قیومی (۱۳۸۹). «نگاهی نشانه‌شناختی به واژه آیه در قرآن کریم». *نقد ادبی*. س ۳. ش ۱۰. صص ۱۷۵-۲۰۳.
- هاشمی، زهره (۱۳۸۹ الف). «تحمیل نظریه یا تحلیل متن؟ نقدی بر مقاله تحلیل رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم». *نقد ادبی*. س ۳. ش ۹. صص ۱۸۱-۱۷۵.
- _____ (۱۳۸۹ ب). «کارکرد تمثیل از دیدگاه منتقدان رماتیک». *نقد ادبی*. س ۳. ش ۹. صص ۶۹-۷۲.

مقالات مجله بهار ادب

- جبری، سوسن و سیدعباس حمزه‌زاده (۱۳۸۹). «پیوستگی در سبک نشر صوفیانه رشیدالدین میبدی». *بهار ادب*. س ۳. ش ۲. صص ۵۹-۷۷.
- خبازها، رضا (۱۳۸۹). «تکرار و سبک شعر شیخ بهایی». *بهار ادب*. س ۳. ش ۱. صص ۱۴۱-۱۵۷.
- رحیمی، امین (۱۳۸۹). «بررسی سبک غزلیات کمال‌الدین اسماعیل». *بهار ادب*. س ۳. ش ۱. صص ۱۳-۳۳.
- سازواری، محمدرضا (۱۳۸۹). «تأثیر و تأثر سلمان ساوجی و حافظ شیرازی». *بهار ادب*. س ۳. ش ۲. صص ۱۶۹-۱۸۳.

- صدرالحفاظی، سیدمهدی (۱۳۸۹). «نشانه‌های مختصات زبانی سبک خراسانی در گلستان سعدی». *بهار ادب*. س ۳. ش ۱. صص ۷۹-۱۰۱.
- طائفی، شیرزاد و علیرضا پورشبانان (۱۳۸۹). «ابراهیم گلستان: پایه‌گذار نثر نوین». *بهار ادب*. س ۳. ش ۲. صص ۱۰۹-۱۳۱.
- غنی‌پور ملک‌شاه، احمد (۱۳۸۹). «تحلیل چند نکته زبانی و فکری از مشخصات سبکی سایه». *بهار ادب*. س ۳. ش ۱. صص ۳۵-۵۹.
- فیروزیان، مهدی (۱۳۸۹). «سبک‌شناسی ترانه‌های حسین منزوی». *بهار ادب*. س ۳. ش ۲. صص ۱۳۱-۱۴۹.
- قافله‌باشی، سیداسماعیل (۱۳۸۹). «کاربرد خاص اصطلاحات نجومی: یکی از خصیصه‌های سبکی فردوسی». *بهار ادب*. س ۳. ش ۱. صص ۱۱۹-۱۴۱.
- قدیری یگانه، شبنم (۱۳۸۹). «صنعت ایهام در آفرینش سبک هندی نفته‌المصدر». *بهار ادب*. س ۳. صص ۱۴۹-۱۶۹.
- ماهیار، عباس و کامران شاه‌مرادیان (۱۳۸۹). «نگاهی به سبک اشعار نیمایی مهدی اخوان ثالث و تحولات عروضی آن». *بهار ادب*. س ۳. ش ۲. صص ۱۸۳-۲۰۱.
- مجلد، امید (۱۳۸۹). «نگاهی تازه به نیما در شعر نو». *بهار ادب*. س ۳. ش ۲. صص ۷۷-۹۵.
- محسنی‌نیا، ناصر (۱۳۸۹). «نگاهی به شگردهای دشوارگویی خاقانی با تکیه بر شرح ابیاتی از او». *بهار ادب*. س ۳. ش ۲. صص ۲۵-۴۵.
- محسنی، مرتضی (۱۳۸۹). «بررسی انواع هنجارگریزی آوایی و واژگانی در شعر ناصر خسرو». *بهار ادب*. س ۳. ش ۲. صص ۱-۲۵.
- مدرسی، فاطمه (۱۳۸۹). «مقایسه سبک تأویل احمد غزالی و ابوالفضل رشیدالدین میبدی». *بهار ادب*. س ۳. ش ۱. صص ۱۰۱-۱۱۹.
- مستعلی پارسا، غلامرضا (۱۳۸۹). «کاربرد بلاغی آینه در دیوان صائب». *بهار ادب*. س ۳. ش ۲. صص ۴۵-۵۹.
- نظری، نجمه (۱۳۸۹). «انعکاس عاشورا، یکی از خصیصه‌های شعر دفاع مقدس». *بهار ادب*. س ۳. ش ۱. صص ۶۱-۷۷.
- همدانی، آرزیتا (۱۳۸۹). «یادداشت‌های صدرالدین عینی و ارزش‌های سبکی آن». *بهار ادب*. س ۳. ش ۲. صص ۹۵-۱۰۹.

- Abrams, M. (1994). *A Glossary of Literary Terms*. Tehran: Rahrovane Tarbiyat. [In Persian]
- Cuddon, J.A. (1998). *Dictionary of Literary Theory*. Hamedan: Fanavaran. [In Persian]
- Ebadian, M. (1993). *Introduction to Stylistics in Literatrue*. Tehran: Avaye- Nour. [In Persian]
- Fotouhi, M. (2006). *Literary Criticism in Indian Style*. 2nd Ed. Tehran: Sokhan. [In Persian]
- _____ (2011 a). *A Collection of Letters of Criticism*. Vol. 1. Tehran: Khane-ye- Ketab. [In Persian]
- _____ (2011 b). *Stylistics: Theories, Approaches and Methods*. Tehran: Sokhan. [In Persian]
- Hayati, Z. (2012). *Censorship of the Field and Knowledge of Literary Criticism in Iran*. The Bureau of Censorship of Science Development (Client). Iranian Society of Literary Criticism (Executive Institution). The Institute of Information Science and Technologies (the Place It Is Kept). [In Persian]
- Iranzadeh, N. (2011). "Style Theory in Iran (Stylistics Methods)". *Bahâr-e- 'Adab: Journal of Stylistics of Persian Verse and Prose*. No. 2. Pp. 1-20. [In Persian]
- Khatibi, H. (1996). *Technique of Prose in Persian Literature*. 2th Ed. Tehran: Zavvar. [In Persian]
- Moin, M. (1992). *Persian Dictionary*, 8th Ed. Tehran: Amir kabir. [In Persian].
- Payandeh, H. (2010). *Short Story in Iran*. Vol. 1: *Realistic and Naturalistic Stories*. Tehran: Niloufar. [In Persian]
- _____ (2011). *Critical Discourse: Articles on Literary Criticism*. Vol. 2. 2nd Ed. Tehran: Niloufar. [In Persian]
- Pournamdarian, T. (1995). *Journey in the Mist: Reflections on the Poems by Ahmad Shamloo*. Tehran: Zemestan. [In Persian]
- Razi, A. & A. Raz (2011). "Literary Criticism, an Interdisciplinary Approach" in M. Fotouhi (Ed.). *A Collection of Letters of Criticism*. Vol. 1. Tehran: Khane-ye-Ketab. Pp. 621- 664. [In Persian]
- Shaff'i Kadkani, M. (1987). *Poet of the Mirrors*, Tehran: Agah. [In Persian]
- Shamisa, S. (1993). *Generalities of Stylistics*. Tehran: Ferdows. [In Persian]

Articles of Journal of *Literary Criticism*

- 'Abedinifard, M. (2010). "Nihilism in Khayam's Quatrains". *Literary Criticism*. No. 10. Pp. 143- 174. [In Persian]
- Afshin Vafayi, M. (2010). "Redundant Studies, the result of Ignorance of Literature Review". *Literary Criticism*. No. 9. Pp. 177- 179. (Article Criticism). [In Persian]

- Babakhani, M. (2010). "Myth in the Knowledge of Literature". *Literary Criticism. No. 11- 12*. Pp. 7- 32. [In Persian]
- Bamashki, S. & A. Ghavam (2010). "The Roles of Narration-Listeners in Masnavi". *Literary Criticism. No. 9*. Pp. 113- 117. [In Persian]
- Bayat, H. (2010). "Centrality of Heroines in Folk Stories". *Literary Criticism. No. 11- 12*. Pp. 87- 115. [In Persian]
- Behfar, M. (2010). "Mismatch of Theory and Literary Genre". *Literary Criticism. No. 10*. Pp. 205- 211. [In Persian]
- Behin, B. (2010). "Modern Philosophical Discourse and Responsible Writing". *Literary Criticism. No. 9*. Pp. 23- 28. [In Persian]
- Behnam, M. (2010). "Conceptual Metaphor of Light in Shams' Complete Poetical Works". *Literary Criticism. No. 10*. Pp. 91- 114. [In Persian]
- Ebrahimi, M. (2010). "Mythological Criticism of Demons and Transcendental Beings in the Story of Salim Javaher". *Literary Criticism. No. 11- 12*. Pp. 57- 86. [In Persian]
- Fatemi, S.H. & D. Emarati Moghaddam (2010). "Spacement Poetry and Cubism (A Review of Theoretical Foundations of Spacement Poetry Based on Cubist Aesthetics)". *Literary Criticism. No. 9*. Pp. 29- 48. [In Persian]
- Fotouhi, M. (2010). "Of the Speech of the Affluent to the Speech of the Fallen". *Literary Criticism. No. 10*. Pp. 35- 62. [In Persian]
- Ghaemi, F. (2010). "Background and Theoretical Foundations of Mythological Criticism and its Application Context and Method in Reading Literary Texts". *Literary Criticism. No. 11- 12*. Pp. 33- 56. [In Persian]
- Ghaffari, S. (2010). "Fake Postmodernism (A Criticism of Super-Fictional Techniques in the Novel *Countryless*)". *Literary Criticism. No. 9*. Pp. 73- 89. [In Persian]
- Ghasemipour, Gh. (2010). "Aspect against Genre: A Discussion of the Theory of Literary Genres". *Literary Criticism. No. 10*. Pp. 63- 89. [In Persian]
- Gholam Hoseinzadeh, Gh.H., H. Zolfaghari & F. Farrokhi (2010). "Structurology of Thematic Elements in *Hamzeh Nameh*". *Literary Criticism. No. 11- 12*. Pp. 205- 232. [In Persian]
- Gorji, M., F. Koupa & M.R. Kahandani (2010). "The Concept of 'Pain and Misery' from the Viewpoint of Contemporary Women Poets". *Literary Criticism. No. 9*. Pp. 141- 162. [In Persian]
- Hashemi, Z. (2010 a). "Imposing the Theory or Text Analysis? A Criticism of the Article 'An Analysis of the Novel *I will Turn the Lights off*'". *Literary Criticism. No. 9*. Pp. 175- 181. [In Persian]
- _____ (2010 b). "The Function of Allegory from the Viewpoint of Romantic Critics". *Literary Criticism. No. 9*. Pp. 69- 72. [In Persian]
- Ja'farpour, M. (2010). "Marriage Styles in the Story of Samak Ayyar". *Literary Criticism. No. 11- 12*. Pp. 143- 170. [In Persian]

- Kambouzia Kord Za'feranlou, A. & Kh. Hajian (2010). "Studying Directional Metaphors in the Holy Qoran with a Cognitive Approach". *Literary Criticism. No. 9*. Pp. 115- 139. [In Persian]
- Khadish, P. (2010). "Structural Patterns of Fairy Tales". *Literary Criticism. No. 11- 12*. Pp. 171- 184. [In Persian]
- Mousavi, M. & S. Spargham (2010). "Mythological Criticism of the Tale of 'Daughter of Sour Orange and Citron'". *Literary Criticism. No. 11- 12*. Pp. 232- 255. [In Persian]
- Najafian, A., H. 'Ameri & S. Ghayoumi (2010). "A Semiotic Review of One-Word Verses in the Holy Qoran". *Literary Criticism. No. 10*. Pp. 175-203. [In Persian]
- Pashoutanzadeh, A. & R. Akhaviyouy (2010). "Coding in the Story of 'Tablecloth and Hamroo' from Yazd's Verbal and Folkloric Literature". *Literary Criticism. No. 11- 12*. Pp. 117- 141. [In Persian]
- Sadeghi Esfahani, L. (2010). "Investigating Textological Elements in *All the Leopards that Have Run with Me* by Bijan Najdi". *Literary Criticism. No. 10*. Pp. 115- 142. [In Persian]
- Sangi, N. (2010). "A Critique on the Article about the Mythological Deep Structure in the Novel *Narrating River*". *Literary Criticism. No. 9*. Pp. 165-170. [In Persian]
- Sarli, N. & F. Sa'adat Derakhshan (2010). "Chronology of Persian Eloquence". *Literary Criticism. No. 10*. Pp. 7- 33. [In Persian]
- Yazdeli Dehghani, H. & M. Amiri (2010). "Decoding 'Grandmothers' Narrations'". *Literary Criticism. No. 11- 12*. Pp. 185- 203. [In Persian]

Articles of *Bahâr-e-Adab* Journal

- Firouzian, M. (2010). "Stylistics of Hossein Monzavi's Lyrics". *Bahâr-e-'Adab. No. 2*. Pp. 131- 149. [In Persian]
- Ghadiri Yeganeh, Sh. (2010). "Illusion in the Creation of Indian Style in *Nafthat al-Mansour*". *Bahâr-e-'Adab. No. 2*. Pp. 149- 169. [In Persian]
- Ghafeleh Bashi, E. (2010). "Particular Use of Astrological Terms: One of the Ferdowsi's Stylistic Features". *Bahâr-e-'Adab. No. 1*. Pp. 119- 141. [In Persian]
- Ghanipour Malekshah, A. (2010). "Analysis of a Few Linguistic and Intellectual Items of Sayeh's Stylistic Features". *Bahâr-e-'Adab. No. 1*. Pp. 35- 59. [In Persian]
- Hamedani, A. (2010). "Sadr al-Din Eyni's Notes and Their Stylistic Value". *Bahâr-e-'Adab. No. 2*. Pp. 95- 109. [In Persian]
- Jabri, S. & A. Hamzehzadeh (2010). "Cohesion in the Sufi Prose Style of Rashid al-Din Meybodi". *Bahâr-e-'Adab. No. 2*. Pp. 59- 77. [In Persian]
- Khabbazha, R. (2010). "Repetition and Style in Sheykh Bahaee's Poetry". *Bahâr-e-'Adab. No. 1*. Pp. 141- 157. [In Persian]
- Mahyar, A. & K. Shahmoradian (2010). "A Review of the Style in Nimae Poems by Mehdi Akhavan Sales and their Prosodical Transformations". *Bahâr-e-'Adab. No. 2*. Pp. 183- 201. [In Persian]

- Majd, O. (2010). "A New Look at Nima in the New Poetry". *Bahâr-e-'Adab. No. 2*. Pp. 77- 95. [In Persian]
- Modarresi, F. (2010). "A Comparison of Interpretation Style of Ahmad Ghazzali and Abu al-Fazl Rashid al-Din Meybodi". *Bahâr-e-'Adab. No. 1*. Pp. 101- 119. [In Persian]
- Mohseni, M. (2010). "A Study of All Kinds of Phonic and Morphological Deviations from the Norm in Naser Khosrow's Poetry". *Bahâr-e-'Adab. No. 2*. Pp. 1- 25. [In Persian]
- Mohseninia, N. (2010). "A Review of Khaghani's Tricks for Bombastic Language by Describing Some of His Distiches". *Bahâr-e-'Adab. No. 2*. Pp. 25-45. [In Persian]
- Mosta'li Parsa, Gh. (2010). "Rhetorical Use of 'Mirror' in Sa'eb's Poems Colleciton". *Bahâr-e-'Adab. No. 2*. Pp. 45- 59. [In Persian]
- Nazari, N. (2010). "Ashura's Reflection in Poetry as A Characteristic Feature of Sacred Defense Poetry". *Bahâr-e-'Adab. No. 1*. Pp. 61- 77. [In Persian]
- Rahimi, A. (2010). "A Study of the Style in Kamal al-Din Ismaeel's Ghazals". *Bahâr-e-'Adab. No. 1*. Pp. 13- 33. [In Persian]
- Sadrollhafezi, M. (2010). "Signs of Linguistic Characteristics of Khorasani Style in Sa'di's *Golestan*". *Bahâr-e-'Adab. No. 1*. Pp. 79- 101. [In Persian]
- Sazvari, M. (2010). "How Salman Savoji and Hafez Were Affecting and Affected by Each Other". *Bahâr-e-'Adab. No. 2*. Pp. 169- 183. [In Persian]
- Taefi, Sh. & A. Pourshabanan (2010). "Ibrahim Golestan: the Founder of the New Prose Style". *Bahâr-e-'Adab. No. 2*. Pp. 109- 131. [In Persian]